

اشکم بدوید تا بگیرد راهش

در وی رسید دامن من بگرفت

اینک در خاتمه بانبودن وسائل کامل تتبع و تحقیق اگر اساتید

محترم سهو و اشتباهی ملاحظه فرمایند البته معذور خواهند داشت

حسین مسرور

مستعمرات ایرانی در شرق آفریقا

در سال ۹۷۵ هجری در نتیجه حوادثی که بر نکارنده مجهول است

یکمده از شیراز بشرق آفریقا مهاجرت کرده، مانند ملل امروزه اروپائی

باستعمار سر زمین مزبور پرداخته، ابتدا مستعمره کیلفان را تأسیس نموده

سپس در طلب معادن طلا بر سواحل شرقی منتشر شده تا مفید شو. باراکا

ما لندی. مباسه. تونفونی. زنگبار. بمبا قریب دارالسلام فعلی و ماقبا

وسیده و در وسط امارات عربی امارت‌های کوچک منظم ایرانی تأسیس کرده

بنشر تمدن ایرانی مشغول شدند. وقتی که پورتقالها برای استعمار بان سر

زمین قدم گذاردند دیدند که تمدن اسلامی در آنجا ریشه دوانیده ایرانیها

و عرب نه فقط زمام سیاست و تجارت آنجا را در دست گرفته بلکه توجه

مخصوص بامر فلاحت کرده سکنه بومی را بزراعت آشنا ساخته و انواع و

اقسام اشجار ایران و عربستان جلب کرده، زراعت پنبه. کنجد هندی

نیشکر. برنج. بقولات و ادویه هندوستان را بطور کامل ترویج داده اند

در کتاب سلطنت استعماری آلمان وقتی که اسم این مملکت را ذکر

نموده میگوید «اهالی آنجا عبارتند از: عرب ایرانی. هندی. کومور.

زنگی. سواحلی. و اصل سواحلی از قومی موسوم به فانفا میباشند که

از هزار سال قبل با عرب ممزوج شده و حتی با سکنه سیاه و سفید هم آمیزش کرده و اینها نیز مدعی هستند که اصلاً شیرازی بوده اند.

«سواحلیها همه خوش گل، متناسب الاعضاء، ظریف و پاکیزه میباشند نظافت و شست و شو از وظایف حتمیه آنهاست دندانهای خود را همیشه پاکیزه و تمیز نگاه میدارند»

بمخلاف زنگیها خال کوفی ابداً در میان آنها معمول نیست. و چون مسلمان هستند مثل سایر مسلمین اطفال خود را ختنه مینمایند. لباس آنها عموماً سفید و هرگاه فینه قرمز را بپوشند کمه (۱) سفیدی را بر سر می گذارند. تا کنون پوشیدن شلوار اورناتی در میان آنها معمول نیست. زنهایشان عموماً روتاز و به هیچوجه صورت نمیکینند و ولی چیزی موسوم به شقه میپوشند که تمام بدن را مستور میدارد و یک چیز دیگری که آرا کوتو مینامند مثل عبا روی کول می اندازند. شهرها و دهاتیهای این قوم در عادات و اخلاق کاملاً متشابه میباشند ولی هیچ وجه شبهی بین آنها و زنگیهای سکنه داخله مملکت موجود نیست. چه سواحلیها دارای آداب و اخلاق و عواطف عالی و ذکاوت سرشاری هستند. و از جمله صفات آنها حسن معاشرت. زودآشنائی و جوشش با دیگران است. نسبت بمخانواده خود زیاد رؤف و مهربان میباشند و اولاد خود را دوست و عزیزتر میدارند و همیشه مایل هستند که در قرب و جوار هم دیگر منزل کنند. منازل و حتی کوچه های بین منازل آنها در نهایت نظافت و پاکیزگی است. خانه هایشان همه بطور ردیف و مستقیم ساخته شده و باین واسطه شوارع و خیابان آنها عموماً راست و معتدل است.

«در جلو خانه ها و طول کوچه ها عموماً درختهای انبوه بطور

(۱) که يك كلاه سفیدی است که از کرباس با پارچه های سفید دیگر ساخته میشود

ردیف و منظم کاشته شده است.

«سواجلیها در هر جا منزل کنند توجه مخصوص بغرس اشجار

مینمایند.»

میکوبند از تمبلی و دروغگوئی چندان بی بهره نیستند و میل
مفرطی بعیاشی و لهوو لعب دارند. رقص و غنا را خیلی دوست داشته و با
طبل و طنبور هم سر و کاری دارند

(تعریف فوق کاملاً ایرانی بودن آنها را تأیید مینماید. مترجم)

علاوه بر نقاطی که ذکرش گذشت ایرانیها در جزائر ارضییل قومور

نیز در مهمی بازی کرده اند

رئیس اطباء قشون مستعمراتی فرانسه در
نیکلا دوپلان شیر

رساله خود مینویسد: «مدتی بر تقالها بر جزائر قومور حکومت کرده سپس
اهالی آنجا شورش نموده و پور تقالها را بیرون کردند» پس از رفتن جالبه
پور تقال محمد بن عیسی نامی با جماعتش از شیراز بانجا آمده و اسلام را انتشار
دادند. بعد از محمد پسرش حسن در جزیره انجوان مأوی گزیده اهالی با
نهایت مسرت مقدم او را گرامی دانسته از هیچ نوع همراهی و مساعدت
نسبت به او خود داری ننمودند. حسن مزبور مساجد و جوامع بسیاری در
شهرها و دهات انجزیره تأسیس کرده و او سلطنت انجوان را تشکیل داده
بر تمام جزیرم استیلا یافت. زیرا رئیس بلده (موتساموند) مستمی به فانس
دخترش را به او تزویج نمود و در اثر آن ازدواج به سلطنت ملقب گردید.
بعد از فوت حسن پسرش محمد جانشین او شده و امینه دختر ماسیلاحا رئیس
جزیره (مایوت) را بحباله نکاح خویش در آورده و با این تدبیر جزیره
مایوت را بانجوان ملحق گردانید. سپس جزیره محلی را ضمیمه نموده و
ملوک قوموری کبری را مطیع و منقاد ساخت. ولی این اطاعت چندی
دوام نکرده و بعد از مدتی باطاعت اسمی تبدیل یافت. زیرا بعد از آنکه

حکومت به عیسی بن محمد رسید او زوجه اش موللانه را وصی و جانشین خود کرده و این ملکه بعد از فوت شوهر از عهده اداره مملکت بر نیامده بلافاصله اهالی بر او شوریده و لی (مواینه) زمام امور را در دست گرفته و ملکه موللانه به شهر دو موفوفرار نمود.

ما این اطلاعات را از تعالیقی که دانشمند شهر امیر شکیب ارسلان بر کتاب حاضر العالم الاسلامی نگاشته برای اطلاع هموطنان عزیز ترجمه نمودیم که بدانند اسلاف آنها قبل از آنکه فاقد روح شهامت و عزت نفس گردند اگر احیاناً در نتیجه حوادثی از وطن خود مهاجرت مینمودند بواسطه علوهت و خوی معالی طلبی که از صفات لازمه آنها بود در غربت نیز سیادت و فرمان روائی نائل می شدند. چنانکه می بینم اغلب راجه ها و امراء مسلم هندوستان و خیلی از وزراء و اعیان درجه اول آن مملکت ایرانی نژادند اما امروزه بدبختانه طوری ایرانی فاقد عزت نفس و اراده گردیده که بمجرد اینکه اوضاع زندگانی عادی یکی از آنها مختل گردید و یا در اثر پیش آمدهای دیگری مجبور به مهاجرت شد فوری به پست ترین کارها از قبیل گدائی جاسوسی اجانب و غیره تن در داده به هیچ وجه پای بند شرافت و آبروی ملی خود نمیشود.

حقیقتاً میدانیم در آنچه حوادثی آن روح معالی طلبی و عزت نفس که از صفات ممتاز ایرانیان است از این مملکت رحمت بر بسته و بجای آن خصال ناپسند امروز حکم فرمائی مینماید

احمد فرامرزی